

بررسی تطبیقی آیات قرآن کریم در اشعار « فایز دشتی » و « مَفْتُون بُرْدُخُونی »

۱ مهرداد روشن زاده

۲ مجید عابدی

چکیده

قرآن کریم، یکی از سرچشمه های فکری پُر بار شاعران و نویسندگان بزرگ پارسی زبان است. شاعران خوش ذوق فارسی به مدد موهبت سرشار و ذوق هنری خود، چنان از قرآن بهره برده اند که به حق، شعر عارفانه فارسی را باید شعری توحیدی نامید. با تحلیل و دقت نظر در اشعار این دو شاعر جلیل القدر، وجوه مشترک بسیاری در زمینه تجلی آیات دیده می شود. هدف مقاله این است که مضامین قرآنی توصیف شده در اشعار این دو شاعر را تبیین و تحلیل شود؛ هم چنین، سعی در تبیین موقفیت این دو شاعر پر آوازه، با الهام از آیات قرآنی دارد. لازم به ذکر است، که توجه به قرآن در اشعار شاعران و نویسندگان گذشته، فراوان است. فایز دشتی و مَفْتُون بُرْدُخُونی، به گونه های مختلف از قرآن مجید تأثیر پذیرفته اند. بنابراین در این مقاله، با بهره گیری از شیوه ی تحلیلی و توصیفی به بررسی نمونه هایی از تأثیر قرآن در اشعار هر دو شاعر گران سنگ پرداخته ایم که قرآن در سراسر شعر و ادب این دو شاعر تجلی یافته است. این دو ستاره ادبیات فارسی، با بهره گیری از این سرچشمه جوشان فرهنگ اسلامی به خلق مضامین و بیان عواطف و اندیشه های خود پرداخته، که این امر در جاودانگی اثر هر دو بی تأثیر نبوده است.

کلید واژگان: قرآن کریم، فایز دشتی، مَفْتُون بُرْدُخُونی، سیر شعر.

eshcat91@yahoo.com

^۱ دانش آموخته کارشناسی پیوسته، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی بوشهر.

mabedy6@gmail.com

^۲ دکترای زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبایی بوشهر.

۱. مقدمه

بین کلام مُقَدَّس قرآن کریم و ادبیات دیر پای فارسی ، در آدوار گوناگون ، پیوستگی و پیوندی خاص وجود داشته است . در حالی که ، این ارتباط در اشکال و ابعاد گوناگون خود را بروز و متجلی ساخته است .

از این منظر ، آموزه های اسلام و فرهنگ دینی ما - که متأثر از قرآن مجید است - در شعر فارسی گسترده است. از حضور مستقیم آیات الهی گرفته تا غیر مستقیم ترین اشارات قرآنی ، که شا عرانه ترین ذوق ها و قریحه ها آن را به عرصه و میدان شعر آورده اند . بی تردید ، حضور و تجلی روشن و آسمانی قرآن و پیوند با مبانی اصیل آن ، یاور و یارگیر شاعران در این عرصه مقدس بوده است . این بندگی ها ، از همان روز های آغازین ، همراه و هم گام شعر پارسی بوده و بعد ها به ما هیئت جدایی ناپذیر آن تبدیل شده است . به عبارت دیگر ، می توان گفت : که ظرافت های هنری و فنی قرآن بسیار متنوع و گسترده است .

بنابراین ، حضور همین نکات آرزنده هنری و غنی باعث شده است - تا شاعران و ادبای مسلمان چه عرب زبان و چه فارسی زبان از هنرهای قرآنی - علاوه بر محتوای غنی ، پُر بار و آموزنده آن بهره مند گردند . مقاله حاضر بر آن است - که چگونگی تأثیر پذیری از آیات قرآن مجید را با استناد به دو ستاره ی ادبیات پارسی ، « مَفْتُونُ بُرْدُخُونی » و « فایز دشتی » تبیین نماید . هم چنین ، سعی در تفهیم اسرار مو ققتیت این دو شاعر گران بها در الهام از قرآن ، با تعیین مشترکات موجود در اشعارشان می باشد .

۲. بیان مسئله

مسأله تحقیق حاضر ، تأثیر پذیری مَفْتُونُ بُرْدُخُونی و فایز دشتی از قرآن کریم به عنوان نمونه ای از تأثیر قرآن در ادبیات فارسی است . در حالی که ، این مسئله قابل تحلیل به دو مسئله عمده است :

۱. آیا هر دو شاعر جلیل القدر ، از قرآن تأثیر پذیرفته است ؟

۲. شیوه و گونه های این تأثیر پذیری به چه شکلی است ؟

۳. روش تحقیق

روش پاسخ به مسائل یاد شده ، تحلیل محتوایی اشعار هر دو شاعر و مطالعه تطبیقی با قرآن کریم است . بدین گونه که سعی شده است پس از نگارش مبانی نظری موضوع ، به بررسی تأثیر پذیری ابیات از آیات قرآن کریم است . برای این کار نمونه های ابیات هر دو شاعر به دقت مورد تحلیل شده اند .

۴. پیشینه تحقیق

با توجه به اینکه بر اساس اطلاعات موجود تا به حال پژوهشی نظام مند در این خصوص صورت نگرفته است . مطالعه ی

حاضر نخستین پژوهش معطوف به بررسی تطبیقی تأثیر پذیری مَفْتُون و فایز دشتی از قرآن و گامی مؤثر در توسعه ی مطالعات نظام مند در تأثیر قرآن بر ادبیات فارسی است .

۵. اهداف تحقیق

ارتباط و تأثیر فایز دشتی و مَفْتُون بُرْدُخُونی از قرآن کریم
بررسی تطبیقی اشعار هر دو شاعر (فایز و مَفْتُون)

۶. بحث

۶.۱. زندگی نامه دو شاعر

۶.۱.۱. زندگی نامه فایز دشتی

زایر محمد علی دشتی متخلص به فایز ، دو بیتی سرای قرن سیزدهم ، در سال ۱۲۵۰ ه . ق (۱۲۱۳ ه . ش) در روستای « گردوان » دشتی در استان بو شهر دیده به جهان گشود . « برخی ، زادگاه وی را شهرستان دَپَر یا شهرستان بُرْدُخُون دانسته اند . در حالی که ، باور بیشتر پژوهشگران ، خاستگاه او ناحیه ی دشتی است – که مرکز آن – خُورمُوج استان بوشهر است . » (مشایخی ، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

بی گمان ، وی بعد از بابا طاهر همدانی ، شاعر قرن پنجم ، از بزرگترین و معروف ترین دوبیتی سرایان ایران است . « پدرش مُظفَر ، فرزند حاج درویش ، نام داشت – که از روستای گردوان بود – نسل اندر نسل ریاست این روستا را عهده دار بوده اند . همچنین ، سلسله نسب فایز به فارس بن شهبان ، یکی از مشایخ آل برنجه ، می رسد. » (فخرایی ، ۱۳۸۳: ۵-۶) فایز دشتی « تحصیلات مقدماتی خود را در گردوان به پایان برد . سپس ، در روستای بُردخون – که در آن روزگار ، حوزه علمیه و مرکز بحث و درس ناحیه ی دشتی بوده است – زیر نظر مدرسان محلی ، به دانش اندوزی ادامه داد . گفته شده است ، بسیار با هوش و روح سرکشی نیز داشت . پس از پایان این دوره ها به گردوان بازگشته و نزد شیخ احمد ، فرزند شیخ عاشور ، از مشایخ آن دیار ، به ادامه تحصیل پرداخته است . » (مشایخی ، ۱۳۸۱: ۱۱۶) در باره زندگی زایر محمد علی ، روایت ها متعددی وجود دارد . چنان که ، نمی توان آن را موثق و مورد اطمینان با شد و اعتبار تاریخی داشته باشد . به گونه ای که گاه زندگی او را افسانه هایی آمیخته اند . بنابراین ، روایت های بسیاری از زندگی او در بین مردم رایج است .

به هر حال ، مرحوم فایز دشتی ، بعد از هشتاد سال زندگی پر فراز و نشیب توأم با عشق افسانه ای – که بدو منسوب است – در سال ۱۳۳۰ ه . ق ، در روستای « گَزِ دِرَاز » چشم از جهان فرو بست . پیکرش ، بنا به وصیت وی ، پس از چند ماه امانت نهادن – که به نجف اشرف منتقل کرده – و به خاک سپردند .

۶.۱.۲. زندگی نامه مَفْتُون بُرْدُخُونی

سید بهمنیار (آقا بهمنیار) حسینی ، متخلص به مَفْتُون (۱۲۷۶ – ۱۳۱۵ ق) از سادات خطّه جنوب ایران بُرْدُخُون^۱ می باشد.

نام پدر او علی‌اکبر و نام مادرش زبیده بود؛ در بردخون به دنیا آمد. آقا بهمیار، از جوانی کسب کمال و معرفت کرد و استعداد فطری خود را بروز داد و به ساختن اشعار پرداخت. پس از چندی، از بُرْدُخُون به آبادی کورک^۲، واقع در شش فرسنگی جنوب غربی بردخون مهاجرت نمود. چنان که، تا آخر عمر در آنجا زیست و در همان جا در گذشت؛ جسد او چند سالی در گورستان کورک به امانت گذاشته شد. سپس، به کشور عراق منتقل و در وادی‌السلام آنجا به خاک سپرده شد.

بتا غربت برای من وطن شد وطن بی روی تو زندان من شد
تواندر مصر و کنعان خرم و شاد ز مَفْتُون بُرْدُخُون بیت الحزن شد
(مَفْتُون، ۱۳۸۱: ۹۴)

مرحوم مَفْتُون در حوزه علمیه بُرْدُخُون که یکی از مهم ترین حوزه های علمی در سی سال بود، کسب علم نمود. او بیشتر در دو بیتی طبع آزمایی کرده است. گرچه مثنوی هایی مانند: لیلی و مجنونش بسیار زیبا سروده است؛ ولی شهرت او بیشتر به خاطر دو بیتی های دل انگیز اوست. ایشان غزل را نیکو سروده است. همچنین، در این زمینه شدیداً تحت تأثیر حافظ بود که شاهد بر این مدعا است.

مَفْتُون می گوید:

ترسم که آه من به جهان شعله ور شود راز دلم ز پرده ی باطن به در شود
ترسم به هجر دوست کنم صبر و عاقبت باقی زمان صبر که عمرم به سر شود
ترسم که کند ز صحبت ایام رفته یاد یک باره صبر و وفای دوست نصیب دگر شود
ترسم زلف خویش پریشان کند ز غم آن با وفا ز مردن من چون خیر شود
(مَفْتُون، ۱۳۹۱: ۱۱۰)

وی بی تردید به استقبال این غزل معروف حافظ با مطلع زیر رفته است:
ترسم که اشک در غم ما پرده در شود وین راز سر به مهر به عالم سمر شود
(حافظ، ۱۳۹۱، ج ۲: ۷۷۸)

۶.۲. جلوه های آیات قرآن کریم در اشعار مَفْتُون و فایز

با اندیشه و دقت مضاعف در اشعار دو شاعر جلیل القدر، به مضامین مشترک بر می خوریم که فصل و بسط آن از حیطة پژوهش حاضر - که بیشتر سعی در بررسی و تبیین آیات قرآنی در شعر دو شاعر دارد - خارج می شود. در اینجا به اختصار به بررسی این اشتراکات می پردازیم.

۶.۲.۱. وصف بسم الله الرحمن و الرحيم

این عبارت یا آیه، از شناخته ترین و مقدس ترین عبارات برای مسلمانان است. با توجه به حدیث نبوی « کل أمر ذی بال لم یبدأ بسم الله الرحمن الرحيم، فهو أبتَر »، هر امر مهمی که با بسم الله الرحمن الرحيم آغاز نشود، ناقص می ماند؛ عبارت بسم الله الرحمن الرحيم، جمله ای است که برای آغاز هر امری به کار می رود و در تمامی سوره های قرآن، به جز سوره براءت، به کار رفته است و در باره آن نظریات گوناگونی وجود دارد.

عده ای آن را یک آیه ی مستقل قرآنی می دانند که در آغاز تمامی سوره ها ، به جز سوره توبه و برای فصل آن ها ، به کار رفته و بیانگر رمز و راز و مفهوم خاصی است . عده ای نیز آن را آیه ای مستقل به شمار نمی آورند و آن را جزء آیه ی اول هر سوره می دانند .

مَفْتُونُ بُرْدُخُونی ، در نخستین بیت از مناجات نامه اشعار خود در دفتر شعری پر آوزه اش آیه « بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ » را به قصد تبرک و تیمن و پیروی از این سنت اسلامی - که پسندیده و بایسته است - در شعر خود به کار برده است. به عبارت دیگر ، در هر کاری با نام و یاد خداوند آغاز می شود . چنانکه ، وی ، بدون هیچ تغییری اقتباس کرده است . شاعر می گوید :

سر هر نامه نزد خردمند	نباشد بهتر از نام خداوند
گشایش ها که در امر عظیم است	به بسم الله الرحمن الرحيم است
گشاید نام او هر کار بسته	درستی بخشد اندام شکسته

(مفتون، ۱۳۸۶: ۶۰)

فایز :

دویستی هایی ، به طور مکرر بسم الله الرحمن الرحيم را - که سر آغاز سوره های قرآنی است - به صورت جمله وارہ ای به کار برده است :

جانا ، لام و میم است	چو بسم الله الرحمن الرحيم
به هفتاد و دو ملت برده حسنت،	قدم از هج تو مانند جیم است (فایز ، ۱۳۷۹: ۳۶)

لام و میم تلمیحی ، از سوره ی مبارکه بقره است : « الم » (بقره: ۱) است . هم چنین ، طولانی بودن سوره و تشبیه زلف به این سوره در بلندی است . شاعر ، پیچ و تاب ، دندانها و جعد زلف را به دندانها های کلمه ی بسم الله الرحمن الرحيم تشبیه نموده است . در مصراع دوم ، هفتاد و دو ملت اشاره است ، به هفتاد و دو فرقه اسلامی و حدیث شریف نبوی که « ستفرق امتی الثالث و سبعین فرقه و النّاجیه منهم واحده » امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم خواهد شد - که هفتاد و دو فرقه ی آن در آتش است - و یک فرقه از آن ها رستگارانند . (کلینی ، ۱۳۶۸ ، ج ۸: ۲۲۴)

۶،۲،۲ . وصف صفات خداوند

ذکر و یاد خدا و تبرک جستن به اوصاف و أسماء الهی - که در قرآن آمده است - به وضوح در اشعار شاعران آشکار است . هر دو شاعر (مَفْتُون و فایز) ، در بسیاری از اشعار خود به ستایش و ثنای خدا پرداخته و در بکارگیری اسماء باری تعالی از آموزه های قرآنی بهره فراوان برده اند ؛ که ابیات زیر از آن جمله است :

مَفْتُون :

یکی از صفات خداوند که در مقام تربیت بندگان نمود یافته است ، صفت حکیم بودن او است . این صفت بیش از یک صد

بار در قرآن تکرار شده است. این فراوانی، نشان از اهمیت ویژه آن در امر تربیت دارد. خداوند، امور هستی را از روی حکمت، تدبیر می کند. برای هر کار خود حکمتی دارد.

خداوندا تو رحمان و رحیمی به درد دردمندان تو حکیمی (مَفْتُون، ۱۳۸۶: ۲۳۵)

فایز:

خداوندا! تو قهاری و جباری! تو ستاری و صیادی و غفار!

ز تو هر چه سزد با فایز آن کن! و گر نه من جحیم را سزاوار! (فایز، ۱۳۷۹: ۸۸)

بیت نخست به اسامی حضرت حق اشاره دارد که برگرفته از آیه « وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰی » و نیکو ترین نام ها (به لحاظ معانی) ویژه خداست (اعراف: ۱۸۰)

۶.۳. الهام از مفردات و ترکیبات قرآنی

قرآن کریم، یکی از سرچشمه های فکری پر بار شاعران و نویسندگان بزرگ پارسی زبان است. شاعران خوش ذوق فارسی به مدد موهبت سرشار و ذوق هنری خود، چنان از قرآن بهره برده اند که به حق، شعر عارفانه فارسی را باید شعری توحیدی نامید. از سویی، بکارگیری مفردات و الفاظ قرآنی یکی از اشکال تناسف قرآنی در اشعار شاعران است.

۶.۳.۱. سوره های قرآنی

قسم هایی - که در قرآن مجید به پدیده های گوناگون طبیعت ادا می شود - خمیر مایه و ابزار بهره مندی شاعرانه ماست. لازم به ذکر است هنگامی - که فردی برای اثبات مطلب خود به سوگند خوردن به قرآن و مُطَهَّرَاتِ مُتَوَسِّلِ می شود - این عبارت را به کار می برند. از سویی، در ترانه های مَفْتُون و فایز، هم در صورت و هم در معنا هدف استفاده قرار گرفته است:

مَفْتُون:

قسم جانا به والنجم و به والطور به واللیل و به حَقِّ صَفْحَةِ ی نور

که مفتون اندرین عالم نخواهد زمانی از حضور تو شود دور (مَفْتُون، ۱۳۸۶: ۱۰۵)

در ابیات فوق از این آیات مضمون گیری شده است: « وَ النَّجْمِ إِذَا هَوٰی » قسم به ستاره چون فرود آید. (نجم: ۱) « وَ الطُّورِ * وَ كِتَابِ مَسْطُورٍ * فِی رَقِّ مَنَشُورٍ » قسم به طور سینا * قسم به کتاب مسطور (قرآن) * که در صحیفه ای گشوده فرستاد. (طور: ۱-۲) « وَ الْاِیْلِ اِذَا یَغْشٰی » قسم به شب تار هنگامی که (جهان را در پرده سیاه) بپوشاند. (لیل: ۱)

فایز:

زایر محمد علی دشتی، به قسم متوسل می شود و برای اطمینان خاطر معشوق به سوره های « و الشمس »، « و اللیل » و « کلام الله » سوگند یاد می کند و وفاداری خود را اثبات می رساند:

قسم بر سوره ی و الشمس و اللیل ، به غیر از تو ندارم با کسی میل !
کلام الله باشد خصم فایز ، اگر نامحرمی با تو کند میل ! (فایز، ۱۳۷۹:۱۲۸)
زایر ، به قصد تزیین و تجمیل ، مصراع نخست از این آیات بر گرفته شده است : « وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا » سوگند به خورشید و گسترش روشنی اش (شمس:۱) . و « و اللیل » سوگند به شب هنگامی که فرو پوشد . (لیل : ۱) لازم به توضیح است ، شاعر ، به مفهوم و مضمون آیه نظر ندارد ؛ مقصود وی ، پرداختن به آیه نیست . بلکه فایز ، با توسل به قسم سوره های قرآنی ، نسبت به معشوق خود ، اطمینان می دهد ؛ به غیر از یار خود با شخص دیگری ارتباط ندارد ؛ و وفاداری خود را اثبات می رساند . همچنین ، معشوق خود را به کلام الله قسم می دهد - که اگر با نا محرمی ارتباط داشته باشی - مورد خشم عاشق قرار می گیری .

۶.۴. الهام از مضامین و اندیشه های قرآنی

۶.۴.۱. توجه به روز قیامت

روز جزا ، یکی از اصول دین و از درون مایه های عمده و زیر بنایی در آثار اعتقادی و تعلیمی موجود در ادبیات دینی به شمار می رود . شاعران و نویسندگان تا حدودی در آثارخویش به این حوزه توجه کرده اند و از جهات گوناگون به توضیح و تفسیر آن پرداخته اند.

مَفْتُون :

شاعر در مدح ، مَمْدُوح خود می گوید : خداوندا ، چه زمانی صبح قیامت طلوع می کند . چنان که ، در صحرای قیامت ا قامت کنم به امید اینکه معشوق بلند قامت خود را در بغل گیرم :

الهی کی دمد صبح قیامت که در صحرای آن سازم اقامت
به امیدی که ببند یار مَفْتُون بگیرد در بغل آن سر و قامت (مَفْتُون، ۱۳۸۶:۹۲)

مضامین ابیات فوق ، به این آیه قرآنی اشاره می کند : « یَوْمَ یَجْمَعُکُمْ لَیَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكِ یَوْمِ التَّغَابُنِ وَ مَنْ یُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ یَعْمَلْ صَالِحًا یُكْفِرْ عَنْهُ سَیِّئَاتِهِ وَ یُدْخِلْهُ وَ جَنَّاتٍ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (یاد آرید) روزی که خدا همه ی شما را به عرصه محشر (برای حساب) جمع می گرداند . آن روز ، روز غَبْن و پشیمانی (بدکاران) است . هر که به خدا ایمان آرد و نیکوکار شود ، خدا گناهانش بپوشد و در باغ های بهشتی که زیر درختانش نهر ها جاری است داخل گرداند . در آن بهشت ابدان جاودان متنعم باشند . این به حقیقت سعادت و رستگاری بزرگ خواهد بود.^۳ (تغابن : ۹)
فایز :

فایز ، معشوق خود را ترس از خدا و روز محشر پند و اندرز می دهد و برای آن ، نتایج مهمی مثل پل صراط را بر می شمرد . شاعر ، در این رهگذر ، از تمثیل بهره می گیرد :

غزال بردخونی ستمگر! مکش سرمه که عالم گشت کافر،
جواب خون فایز را چه می دی؟ سر پل صراط و روز محشر؟ (فایز، ۱۳۷۹: ۱۰۷)
شاعر، به قصد تعلیل و توجیه مصراع چهارم را از این آیه بهره گرفته است: «يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا» روزی که در صور می دمند و شما گروه گروه به عرصه محشر می آید. (نبأ: ۱۸) همان طور که ملاحظه شد، فایز دشتی، در ترانه ی مذکور، نسبت به معشوق خود یادآور می شود؛ چشمت را به سرمه کشیدن، سیاه نکن؛ زیرا، همه ی مردم را کافر می شوند. بنابراین، جواب خون فایز را چه می دهی؟ همچنین، در آخرت روز محشر و سر پل صراط، جواب خدا را چه می دهی؟

۶,۵. الهام از شخصیت های قرآنی

۶,۵,۱. حضرت ابراهیم (ع)

مَفْتُونُ:

شاعر، با توجه به آیات قرآن درباره حضرت ابراهیم (ع) بیت زیر را سروده است:

نماید بر خلیل آتش سلامت کند بیچاره سلطانی کرامت (مَفْتُونُ، ۱۳۸۶: ۶۱)

« قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ * وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ » (پس آن قوم آتشی سخت افروختند و ابراهیم را در آن افکندند) ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش (آتش به خطاب خدا گل و ریحان گردید) * و قوم در مقام کید و کینه او برآمدند و ما (کیدشان را باطل کرده) آنها را به سخت ترین زیان و حسرت انداختیم. (انبیاء: ۶۹-۷۰) بیت فوق و آیه مذکور بسیار با هم تشابه مضمونی دارند. چنانکه شاعر، به آن ها توجه داشته است. فایز:

صنم، عشق تو هم چون نار نمود، مرا در منجیق عشق فرسود!

خلیل آسا رود فایز در آتش، تو قل یا نار گوی و برد کن زود! (فایز، ۱۳۷۹: ۸۵)

« قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ * » (پس آن قوم آتشی سخت افروختند و ابراهیم را در آن افکندند) ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش (آتش به خطاب خدا گل و ریحان گردید) (انبیاء: ۶۹) « خدای سلام می کند و می گوید: بدان که، آتش دوستان مرا نرنجاند و نمرود هیچ شک نکرد که ابراهیم نمانده باشد. » (رازی، ۱۳۶۶، ج ۱۳: ۲۴۵)

شاعر در جای دیگر اشاره می کند:

صنم عشق تو هم چون نار نمود مرا در منجیق عشق فرسود

خلیل آسا رود فایز در آتش تو « قُلْ يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا » کن زود (همان: ۱۴۸)

ابیات فوق ، از مضامین این آیه بهره گرفته است : « قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا و سَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ » گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو ! « (انبیا : ۶۹)

۶,۵,۲. حضرت یعقوب

یکی از پیامبران الهی است . « نام مبارک وی ، شانزده مرتبه در قرآن کریم ذکر شده است . » (رضوی ، ۱۹:۱۳۸۴)

۶,۵,۲,۱. حضرت یعقوب (ع) و بینایی او

شخصیت حضرت یعقوب (ع) نیز از دیگر شخصیت های قرآنی است که نزد شاعران از امتیازات و موقعیت های ممتازی برخوردار است . همچنین ، پیراهن یوسف مظهر شفا ، بینایی و هر امر دوست داشتنی است ؛ زیرا ، بینایی را به یعقوب نبی باز گرداند . شاعر ، در این مورد می گوید :

ز گریه دیده ی من چشم پیر کنعان شد ز بوی پیرهن ای یوسفش تو بینا کن (مَفْتُون ، ۱۳۸۶:۱۸۷)
این بیت اشاره به این آیه دارد : « أَلْقَاهُ عَلٰی وَّجْهِهِ ی فَارْتَدُّ بَصِيْرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ » پس هنگامی که مژده رسان آمد ، پیراهن را بر صورت او افکند و او دوباره بینا شد ، گفت : آیا به شما نگفتم که من از خدا حقایقی می دانم که شما نمی دانید ؟ (یوسف : ۹۶) حضرت یعقوب نبی (ع) دیدگانش را از دوری یوسف پیامبر نابینا شد و آنگاه – که مژده یافتن یوسف را به او دادند – چشمان یعقوب (ع) با بوی پیراهن یوسف شفا یافت مَفْتُونُ بُرْدُخُونی ، این بیت را با مضمون امید بخشی برای پایان هجران و دوری سروده است .

۶,۵,۲,۲. بینایی یعقوب با بوی پیراهن یوسف (ع)

یوسف (ع) ، از زبان برادران ، حال پدر پیر خویش ، یعقوب (ع) متوجه شد - که از فرط گریستن بینایی خود را از دست داده است - اطلاع یافت . در این صورت ، پیراهن خود را برای پدر هدیه می فرستد . بوی پیراهن یوسف نور رفته را به چشمان پیر هجران کشیده باز می گرداند . مضمون نوستالژیک بوی پیراهن یوسف (ع) تحت اثر بخشی این داستان قرآنی ، دست مایه ی بسیاری از شاعران شده است :

نیامد دهد از نزد سلیمان ، نویسم نامه بر بلقیس دوران !
بسان یوسف گم گشته فایز ، برد پیراهنش بر سوی کنعان !
(فایز ، ۱۳۷۹:۱۵۰)

مضمون بیت دوم ، با استناد و استشهاد از این آیه شکل گرفته است : « وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيْرُ قَالَ أَبُوْهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيْحَ يُوسُفَ لَوْ لَأَنْ تُفَنِّدُونِ » و زمانی که کاروان (از مصر) رهسپار (کنعان) شد ، پدرشان گفت : بی تردید ، بوی یوسف را می یابم اگر مرا سبک عقل ندانید . (یوسف : ۹۴)

۷. نتیجه گیری

با تحلیل و دقت نظر در پژوهش حاضر می توان نتایج به دست آمده را در موارد زیر خلاصه کرد: قرآن و مضامین آن بعد از اسلام پیوسته الهام بخش شاعران بوده است. چنان که ، مَفْتُونُ بُرْدُخُونِ و فایز دشتی، از جمله شاعرانی است – که به شدت تحت تأثیر قرآن و مفاهیم آن بوده اند . به عبارت دیگر ، هر دو شاعر ، عرفان و آموزه های دینی و اخلاقی را به طور وسیع وارد شعر و ادب فارسی نموده اند .

مَفْتُونُ بُرْدُخُونِ و فایز دشتی ، به ضرورت موضوع در تبیین معانی دین و اخلاقی از قرآن کریم بهره زیادی گرفته است . همچنین ، گاهی عین آیه یا بخشی از آن را در کلام خود آورده است . از دیگر سو ، الفاظ و ترکیبات قرآنی در شکل گیری ابیات تأثیر گذار بوده است . علاوه بر الفاظ و ترکیبات ، اشعار هر دو شاعر جلیل القدر بیشتر تحت تأثیر معانی و مضامین قرآنی است .

این دو شاعر گران سنگ ، در بیان مفاهیم متعددی از قرآن و آیات آن بهره گرفته است ؛ نظیر : صفات خداوند ، انبیا ، قسم سوره قرآنی ، توجه به روز قیامت .

پی نوشت

۱. بُرْدُخُون (Bordekhoon) در کتب جغرافیایی دو سده ی اخیر نام این روستا را به اشکال مختلفی ضبط کرده اند . عبارتند از : بُردغان ، بُرده خان و بُرْدُخُون است .
۲. گورک (kowrak) : نام روستایی واقع در جنوب غربی بُرْدُخُون .
۳. ترجمه ی آیات قرآن ، بر اساس قرآن مترجم عثمان طه و انصاریان است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم
- احمدی ریشه‌ری، عبدالحسین (۱۳۸۱)، *پژوهش در آثار افکار و اشعار مَفْتُون بُرْدُخُونی*، بوشهر، نشر ولیعصر، چاپ اول
- خرمشاهی، بهالدین (۱۳۹۱)، *حافظ نامه*، تهران، نشر علمی و فرهنگی، چاپ بیستم
- دهداری جبری، حسین (۱۳۷۹)، *آوای فایزان دشتی و دشتستان*، تهران، نشر حدج، چاپ اول
- زنگویی، عبدالمجید (۱۳۹۱)، *مَفْتُون بُرْدُخُونی*، تهران، نشر آینه کتاب، چاپ اول
- رازی، ابوالفتح (۱۳۶۶)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- رضوی، سید جواد (۱۳۸۴)، *قصه های قرآن*، قم، نشر موعود اسلام، چاپ اول
- فخرایی، مصطفی (۱۳۸۳)، *فایز دشتی (مشا هیر ایرانی)*، تهران، نشر تیرگان، چاپ اول
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۸)، *کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه
- مشایخی، عبد الکریم (۱۳۸۱)، *فایز (دو بیتی سرای جنوب)*، تهران، نشر لیان، چاپ اول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی